

# مقایسه مسئولیت کیفری کودک در نظام حقوقی اسلام و کنوانسیون حقوق کودک

معصومه حمیدی پور - سیده سمیرا میر حسینی

## چکیده :

دوران کودکی از جهت نقش مهمی که در شکل گیری شخصیت انسان دارد، مهمترین دوره زندگی آدمی به شمار می آید. به علاوه کودکان به جهت شرایط جسمانی و عقلانی ویژه نیازمند توجه و حمایت های خاص هستند. در این راستا به مرور اندیشه اعمال نوعی مسئولیت کاهش یافته در مورد ایشان شکل گرفت تا به امروز که در همه کشورها کودکی را از عوامل رافع مسئولیت کیفری می دانند.

توجه به این مسأله هم زمان با رشد جوامع بشری، گسترش یافته است. در سالهای اخیر علی الخصوص بعد از تشکیل سازمان ملل متحد، تلاش های فراوانی در این رابطه انجام گرفته است که از آن جمله اعلامیه حقوق کودک و تصویب کنوانسیون مربوط به ایشان می باشد. تا در یک اقدامی بین المللی، تمام کشورها سعی نمایند در روند زندگی کودکان بهبود حاصل سازند. از جمله کودکانی که به حمایت های خاص نیاز دارند، اطفال بزهکار هستند. این کودکان بخاطر داشتن رفتارهای مخالف قوانین و نظم عمومی باید مورد تعلیم، تربیت و در صورت لزوم مورد تأدیب قرار بگیرند. تا در بزرگسالی، از اعضای مفید جامعه بشری محسوب گردند. به همین جهت نحوه برخورد قضایی و دادرسی و مجازات ایشان از اهمیت فراوانی برخوردار است.

دین مبین اسلام از ۱۴۰۰ سال قبل، مبانی و اصول عقلانی و کاملی را در رابطه با حقوق جزا وضع نموده است تا حداکثر حمایت از متهم خصوصاً اطفال و همچنین از جامعه و بزه دیده را به عمل آورد. شارع مقدس به تفاوت شرایط بزهکاری بزرگسالان و کودکان توجه داشته و سیاست جنایی کودکان را با هویتی افتراقی و متمایز از سیاست کلان جنایی اتخاذ نموده است. قانونگذار ایران نیز در طول تاریخ قانونگذاری خویش همواره تلاش کرده است با اتخاذ روش های مناسب چه از جهت نوع مجازات ها و سن اعمال مجازات و آیین دادرسی، حمایت های کاملی را از اطفال به عمل آورد. بررسی این فرآیند قانون گذاری موجب شناخت خلاء های قانونی و رفع آنها را فراهم می آورد. آنچه در حمایت از اطفال بزهکار مهم

است تعیین صحیح سن مناسب برای تحمیل مسئولیت کیفی بر آنها است . از آنجا که رشد فرآیندی تدریجی است ، روند تحمیل مسئولیت کیفی نیز باید تدریجی باشد.

کلید واژه :

کودک ، مسئولیت کیفی ، دارالتأدیب ، تعزیر ، مجازات ، بلوغ ، رشد ، قاعده سمحه